

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال نهم - شماره اول - بهار ۱۳۹۵ - شماره پیاپی ۳۱

جار‌نامه، منظومه‌ای حماسی _ تاریخی در چهل هزار بیت

(ص ۸۰-۶۳)

زهرا نصرافهانی^۱ _ مائده شیرینی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۵/۱/۲۳

چکیده:

ملافیروز پسر ملاکاووس یزدانی بهی کیش، مشهور به فیروز فارسی، حدود سال ۱۱۸۲ ه. ق در هندوستان به دنیا آمد. در ده سالگی همراه پدر خود به ایران مسافرت کرد، نزدیک به دوازده سال به تحصیل علوم و کمالات پرداخت و سپس به وطن خود بازگشت. ملافیروز نزد بزرگان انگلیسی حاکم در هندوستان بسیار محترم بود. "جونان دنکن"، استاندار "بمبئی" به او پیشنهاد کرد تاریخی در مورد رجال و بزرگان انگلستان و فتوحات آنان در هندوستان به نظم آورد، وی پذیرفت و منظومه‌ای در بحر متقارب حدود چهل هزار بیت به نام "جار‌نامه" در احوال سلاطین انگلستان و اشغال هند توسط ایشان در سه جلد به نظم درآورد. "جار‌نامه" توسط برادرزاده ملافیروز، رستم بن کیقباد و با دیباچه‌ای به قلم وی به صورت چاپ سنگی در بمبئی منتشر شد. از ملافیروز آثار دیگری از جمله: ادله قویّه، دین خرد، سفرنامه، رساله استشهاد، سه گوهر شریف، صد در بندش، کنگره نوشیروان و گرامی‌نامه یزدان به جای مانده است. وی در سال ۱۲۴۵ ه. ق دیده از جهان فروبست. نگارنده در این مقاله ضمن معرفی ملافیروز، به معرفی جار‌نامه و بیان اهم برجستگیهای زبانی و ادبی آن پرداخته، سپس با نگاهی نقادانه نقاط ضعف و قوت آن را برشمرده و مواردی از انطباق مندرجات این کتاب با وقایع تاریخی کشور هند ارائه داده است.

کلمات کلیدی: ملافیروز، جار‌نامه، برجستگیهای زبانی و ادبی، هندوستان، انگلستان.

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور mm58shiri@gmail.com

مقدمه:

ادبیات، آیینه تمام‌نمای فرهنگ و تمدن از دیرباز عرصه ظهور و بروز خلاقیت‌های فکری و هنری و نیز افکار و اندیشه‌های نو و بدیع بوده است. آثار ادبی در مقایسه با یکدیگر از حیث فرم و قالب، محتوا و مضمون و سایر وجوه بلاغی و هنری تفاوت‌هایی دارند، علی‌رغم این تفاوتها، آنچه به این آثار رنگ اشتراک می‌بخشد، هنر شعر و شاعری است. شاعران بسیاری هستند که با وجود گذشت سالها و قرن‌ها از حیات آنان، مجموعه آثار و سروده‌هایشان همچنان در پرده خمول و گمنامی قرار دارد و تا زمانی که تمام نسخ و مخطوطات آنان به شکل مصحح و منقح در دسترس منتقدان قرار نگیرد، نمیتوان در خصوص ادبیات آن دوره و شاخصه‌های آن، تحولات سبکی و تطورات زبانی و لغوی و نیز بسامد موضوعات مورد توجه آن قضاوتی کامل و جامع داشت.

یکی از موضوعات قابل طرح در زبان و ادب فارسی، شعر و شاعری در کشور پهناور هندوستان است. این امر چند قرن پیش از سلاطین گورکانی، از قرن ششم هجری آغاز شده بود. از سال ۹۳۲ ه. ق که اساس سلطنت گورکانیان به دست ظهیرالدین بابر پنجمین نواده امیر تیمور گورکانی در شمال هندوستان پایه‌ریزی شد، بازار زبان فارسی در قلمرو آنان بسیار گرم و پر رونق گشت زیرا پادشاهان گورکانی علاقه زیادی به زبان فارسی داشتند و در حقیقت فارسی، زبان رسمی و درباری آنان بود. آنان شعرا و نویسندگان را به سرودن شعر و تألیف کتاب‌های ادبی، تاریخی و تذکره تشویق و ترغیب میکردند.

مساعده‌ها و تشویق‌های مادی و معنوی گورکانیان از شاعران و نویسندگان فارسی زبان، بسیاری را رهسپار هندوستان کرد. در میان گورکانیان بیش از همه نورالدین جهانگیر و پسرش شاه‌جهان در ترویج زبان فارسی و تشویق سخن‌سرایان سعی بلیغ به جای آوردند. (ر.ک: تذکره روز روشن، صبا مولوی: دیباچه)

از جمله آثاری که تحت تأثیر این شرایط در تاریخ ادبیات هند به منصف ظهور رسید، "جارجنامه" تألیف ملافیروز پسر ملاکاووس یزدانی است.

زندگی و احوال ملافیروز

ملافیروز پسر کاوس بن رستم از شاعران، نویسندگان، دانشمندان و موبد موبدان گروه قدیمیان هند است. زادگاه آباء و اجداد وی به روستای «سهرورد» میرسد. نیاکان او در حدود سال ۶۴۷ شمسی (۶۶۶ ه. ق) به هندوستان مهاجرت کردند. ملافیروز در سال ۱۱۲۷ شمسی (۱۱۶۱ ه. ق) در روستای «بروج» به دنیا آمد. در ده سالگی همراه پدرش ملاکاووس رهسپار ایران شد و سه سال در یزد نزد موبد موبدان، مرزبان پسر هوشنگ، به آموختن دانشهای مذهبی، اوستا، پهلوی و زبان فارسی پرداخت. وی پس از پایان دوره آموزشهای اوستایی در یزد، به همراه پدر رهسپار اصفهان شد و سه

سال در محضر درس دانشمندان آنجا به آموختن نجوم، منطق، فلسفه، حکمت، الهیات، و صرف و نحو پرداخت. پس از آن همراه پدر که توسط کریم‌خان زند به شیراز دعوت شده بود، به شیراز رفت و در آنجا سه سال و اندی به آموختن علم و دانش مشغول شد. چون پدر زمزمه حرکت به هندوستان آغاز کرد، پریشان خاطر شد زیرا دل از میهن باستانی خویش برنمیداشت، وی در راه بازگشت مدتی در بغداد به سر برد و در آنجا با زبان عربی و ترکی آشنا شد، سپس در سال ۱۱۵۹ شمسی (۱۱۹۴ ه.ق) وارد بندر سورت و سپس بمبئی شد و به آموزش بهدینان مشغول گشت. (ر.ک: تاریخ زرتشتیان(فرزانگان زرتشتی)، شهردان: ص ۵۳۹-۵۳۰)

ملافیروز در مقدمه جارنامه شرح مختصری از این سفر و دلبستگی خود به ایران زمین را بیان کرده است:

ز زادن چو ده سال بردم به سر	به ایران مرا برد فرخ پدر ...
دو شش سال بودم در آن سرزمین	که بادا بر آن بوم و بر آفرین ...
ز هر گونه دانش همه مایه‌ور	به سیرت فرشته، به صورت بشر
در آن مدتم بخت دمساز بود	که چشمم به دیدارشان باز بود ...
به قدر فراخور شدم بهره‌ور	ز ایران به هندم کشید آبخور ...
چو کاووس در بند مازندران	به هند اوفتادم به بند گران

(جارنامه، بیت ۱۷۷-۱۵۴)

دیوان‌بیگی در این باره مینویسد: وی پس از دوازده سال تحصیل علوم و کمالات، پیشوای پیروان خود شد. (ر.ک: حدیقه‌الشعراء، دیوان بیگی، تصحیح نوایی، ج ۲: ص ۱۳۹۵)

ملافیروز نزد اعیان انگریزیه (انگلیس) بسیار محترم بود. جوانان دنکن، استاندار بمبئی به او پیشنهاد کرد تاریخی در مورد رجال و بزرگان دولت انگریز (انگلیس) و فتوحات آنان در هندوستان به نظم آورد؛ وی پذیرفت و منظومه‌ای به زبان فارسی در بحر متقارب و در حدود چهل هزار بیت سرود، بر آن نام "جارنامه" نهاد و آن را به پدر یا عم "ویکتوریا" ملکه انگلیس تقدیم کرد. برادرزاده ملافیروز، رستم بن کیقباد دیباچه‌ای بر این منظومه نوشت و آن را به صورت چاپ سنگی منتشر کرد. (ر.ک: حدیقه‌الشعراء، دیوان بیگی، ج ۲: ص ۱۳۹۵ و مجمع‌الفصحا، هدایت، ج ۵: ص ۸۴۰ و مکارم‌الآثار، معلم حبیب آبادی، ج ۴: ص ۱۱۸۲)

وی سرانجام در سال ۱۲۴۶ ه. ق چشم از جهان فرو بست. (ر.ک: سرزمین هند، حکمت، ج ۲: ص ۲۶)

آثار ملافیروز:

۱. دین خرد: منظومه‌ای به فارسی در خصوص آیینهای دینی زرتشتیان

۲. سفرنامه: منظومه‌ای به فارسی در شرح مسافرت ملافیروز و پدرش هنگام حرکت از سورت تا بازگشت به هندوستان
۳. رساله استشهداد: شامل پرسشها و پاسخهایی درباره تقویم زرتشتیان
۴. مختصر رد جواز: به زبان گجراتی در موضوع کبیسه و نجوم
۵. پندنامه: منظومه‌ای به فارسی در مورد اخلاق
۶. ادله قویته: در موضوع تقویم قدیم (ر.ک: تاریخ زرتشتیان(فرزانگان زرتشتی)، شهردادان: ص ۵۳۹-۵۳۰ و مکارم‌الآثار، معلم حبیب‌آبادی، ج ۴: ص ۱۱۸۲) این کتاب ۲۲۵ صفحه دارد و در سال ۱۸۲۸ م (۱۲۴۴ق) به صورت چاپ سنگی منتشر شده است. (ر.ک: فهرست کتابهای چاپی فارسی، مشار، ج اول: ص ۱۴۷)
۷. سه گوهر شریف: (مؤلفان دست نوشته های ایران (دنا)، ج ۱۱: ص ۸۷۲)
۸. کنگره نوشیروان: (مؤلفان دست نوشته های ایران (دنا)، ج ۱۱: ص ۸۷۲)
۹. گرامی نامه یزدان پاک: (مؤلفان دست نوشته های ایران (دنا)، ج ۱۱: ص ۸۷۲)
۱۰. صد در بندهش: (فرهنگ ایران باستان (بخش نخست)، پورداود: ص ۹۳)
۱۱. دساتیر: ملاکوس پس از ورود به اصفهان نسخه خطی دساتیر را که یگانه نسخه بود، به دست آورده و با خود به هند برد. فرزندش ملافیروز پس از سالها به دستگیری ویلیام ارسکین، دساتیر را به انگلیسی در دو جلد منتشر کرد. برخی گمان میکنند که ملافیروز دساتیر را ساخته است اما بیش از صد سال پیش از او کسان دیگر دساتیر را دیده و از آن نام برده‌اند. ملافیروز خود در دیباچه دساتیر مینویسد که دساتیر تا عهد شاه‌جهان، تیره شاه اکبر در نزد عرفا معروف و مشهور بود، پس از آن از ابصار مخفی و ناپیدا شد. (ر.ک: تاریخ هند با ۲۱ گراور، دولافوز: ص: ۲۸) با توجه به مندرجات دساتیر، بیشتر احتمال دارد که این کتاب در سرزمین هند نوشته شده باشد تا در ایران، زیرا نهضت اکبرشاه در هند محرک خوبی برای دین‌سازی بوده است. «خود اکبر شاه که در سالهای ۱۰۱۴-۹۶۳ ه. ق سلطنت کرد خواستار آیین‌نویسی بوده که آن را توحید الهی مینامند.» (تاریخ هند با ۲۱ گراور، دولافوز: ص: ۲۹) این کتاب در ۲۸۳ صفحه و در قطع وزیری به صورت چاپ سنگی منتشر شده است. (ر.ک: فهرست کتابهای چاپی فارسی، مشار، ج اول: ص ۱۴۱۳)
۱۲. جارج نامه: منظومه‌ای است به فارسی در بحر متقارب و حدود چهار هزار بیت که به پیشنهاد جوناتن دنکن، استاندار بمبئی سروده شده و مندرجات آن در شرح فتوحات انگلیسیها بین سالهای ۱۸۰۷ تا ۱۸۱۷م (۱۱۸۶ تا ۱۱۹۶ شمسی، ۱۲۲۲ تا ۱۲۳۲ ه.ق) در سرزمین هندوستان است. این کتاب در سال ۱۲۱۶ شمسی (۱۲۵۳ ه.ق) توسط برادرزاده ملافیروز، رستم بن کیقباد چاپ سنگی شد. شایان ذکر است که با شروع صنعت چاپ تعدادی از

دست‌نوشته‌ها و نسخ خطی به صورت چاپ سنگی و با تیراژ محدود انتشار یافت. با پیشرفت روزافزون صنعت چاپ، این کتابها به مخزن نسخ خطی سپرده شد در حالی که از انواع کتابهای چاپی به شمار می‌آمد. بازخوانی و تصحیح برخی از این کتابها تفاوت ماهیتی چندانی با تصحیح نسخ خطی ندارد زیرا کاتبان و خطاطان رسم‌الخط رایج و معمول روزگار خود را در کتابت آن به کار گرفته‌اند، علاوه بر این بعضی قسمتهای متن مخدوش شده یا جا افتاده و گاه نیز سهوالقلم‌هایی در آن راه یافته است.

برای بازخوانی و تصحیح این متن، نسخ موجود شامل نسخه کتابخانه ابن مسکویه اصفهان که در سال ۱۲۵۳ هجری با خط نستعلیق کتابت شده و به شماره ۳۶۶ در آن جا نگهداری می‌شود و نیز نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۱۵۶۹۲ مورد مطالعه و مقابله قرار گرفت. شایان ذکر است که نسخه دیگری از این متن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که به علت عدم ثبت در اختیار نگارنده قرار نگرفت.

محتوای جارج نامه:

همانگونه که از نام اثر پیداست ملافیروز این متن را در توصیف بخشی از تاریخ هندوستان و در مدح پادشاهان انگلیسی که در برهه‌ای از زمان بر هند حاکمیت داشتند، سروده است؛ البته به مقتضای سخن از پادشاهان و بزرگان سرزمین هند چون اکبرشاه، جهانگیرشاه، شاه جهان و اورنگ زیب هم سخن به میان آورده است. هدف وی از به نظم کشیدن این منظومه مفصل به زبان فارسی آن بوده است که این متن پس از او برای آیندگان به یادگار ماند و خاص و عام از آن بهرمنند شوند:

ز هر فرقه در فارسی بیشمار	بود در جهان نامه‌ها یادگار
ولیکن ز بدو ظهور فرنگ	به هند اندر از دانش و رای و سنگ
فتوحات این فرقه نامدار	نگشته به لفظ دری آشکار ...
چو در هند و ایران و در ترک و روم	دری اظهر و اشهر است از علوم
در این امکانه ز انگریزی زبان	ندانند کسی هیچ نام و نشان
گر آید فراهم یکی دفتری	به گفتار فرسی و لفظ دری
بود فیض آن عام در خاص و عام	شود شهره نزد خلائق تمام

(جارنامه، بیت ۲۹۴-۲۸۵)

چو فردوسی آن اوستاد سخن
به گیتی بود نام او یادگار
ز ایزد امان جویم و یاوری
به گیتی چو مرگ است انجام کار

که داده به شهنامه داد سخن
بماند ز تو نیز در روزگار ...
که آرم به انجام این داوری
ز من جارج‌نامه بود یادگار
(جارج‌نامه، بیت ۴۱۰-۴۰۶)

ملافیروز که از معتقدان به آیین زرتشت بوده است، در آغاز جارج‌نامه کلام خود را با نام "ایزد بخشاینده" بخشایشگر مهربان دستگیر" آغاز میکند و در تحمید ذات باری تعالی تعبیر بسیار حکیمانه و زیبایی به کار میبرد، به طوری که اگر کسی از مذهب او آگاهی نداشته باشد، او را مسلمان می‌پندارد و بسیاری از ابیات او را به بهره‌گیری از تلمیحات قرآنی، احادیث قدسی و روایات اسلامی منتسب می‌دارد:

خجسته در آغاز و در ابتدا
خداوند داد و خداوند رای
ز بودش همه بودنی، یافت بود
ز حدت کمالتش کس آگاه نیست
ز فرمان او نیست چیزی برون
خدایی کش انجام و آغاز نیست
چو امرش جهان خواست کردن پدید
چو گنجی بد از چشمها ناپدید
همی خواست خود را کند آشکار

بود بیگمان نام پاک خدا ...
پرستش جز او را نباشد سزای
کسی نیست جز او سزای سجود
به کنهش شتابنده راه نیست
نیارد کسی دم زد از چند و چون ...
به شاهی درش یار و انباز نیست ...
دو گیتی به یک گفت "کن" آفرید ...
نهان بودن خود فراخور ندید
که از گل نماند نهان نوبهار
(جارج‌نامه، بیت ۲۳-۱)

وی در جایی دیگر میگوید:

... خدایی که از قدرت بی‌زوال
پدید آوری آدم از مشیت گل

به صلصال جان داد و علم و کمال
برون آورد گوهر از کان دل
(جارج‌نامه، بیت ۲۴۱-۲۴۰)

در این ابیات که به عنوان شاهد مثال بیان شد، تأثیر‌پذیری ملافیروز از فرهنگ و معارف اسلامی کاملاً مشهود است.

وی پس از تحمید ذات باری تعالی به توصیف مراتب آفرینش شامل عقل کل، عقول عشره، نه فلک و آخشیجان میپردازد و همان استدلال‌ات و براهین عقلی که در فلسفه و کلام اسلامی به کار می‌رود، مورد استفاده قرار می‌دهد:

... ولی از یکی چون به غیر از یکی
ز قدرت شناسنده نیک و بد
پدید آورید آنکه‌هی از کرم
نیاید درین هیچگون فی شکی
که فرزانه خواند "نخستین خرد"
زد از سایر آفرینش رقم
(جارجنامه، بیت ۲۷-۲۵)

تلمیح به عبارت معروف "لا یصدر الواحد عنه الا الواحد" و آفرینش "عقل کل" یا "عقل اول" به عنوان صادر اول در ابیات فوق نمودار آگاهی شاعر از فلسفه و کلام اسلامی و تأثیرپذیری وی از آن است. سراینده پس از آن به آفرینش جمادات، نباتات و حیوانات می‌پردازد و ویژگی‌های هر کدام را بیان میکند، سپس در توصیف عالیترین و کاملترین مراتب آفرینش، از خلقت آدمی سخن می‌گوید:

روان زین سه پایه چو شد بر فراز
از آن روح آمد بشر بهره‌ور
عجین گشت معجونی از خوب و زشت
عجب نسخه‌ای بوالعجب شد پدید
به رتبت ز چرخ و فلک برگذشت
به تکمیل و تفضیل شد سرفراز
کزو گاه خیر آید و گاه شر
سرشته در او جزو نار و بهشت
که شد بندهای جهان را کلید
به عزت ز ملک و ملک درگذشت
(جارجنامه، بیت ۴۷-۴۳)

وی پیامبران را با عنوان فرستادگان خداوند پاک یاد میکند و آنان را فرشتگانی از جنس خاک میدانند:

فرستادگان خداوند پاک
فرشته ولی آفریده ز خاک
(جارجنامه، بیت ۵۸)

و تعابیر زیبایی در وصف فضایل و مکارم اخلاقی آنان به کار می‌برد:

مشرّف به تشریف پیغام و وحی
همه نفس امّاره را کرده خوار
بتفیده لب‌های عصیان سحاب
به فرمان و فرگفت برتر خدای
رسانیده جبریلشان امر و نهی ...
تهی از خود و پیر ز پروردگار
پی رجم ابلیس نجم شهاب ...
سوی مقعد صدق و حق رهنمای
(جارجنامه، بیت ۷۶-۶۷)

پس از آن در محامد کینگ جارج (جرج سوم پادشاه انگلستان) مدحیه مفصلی میسراید. وصف‌الحال ناظم، سبب تألیف، بیان مختصری درباره آغاز تاریخ نوع انسان، اختراع باروت و تفنگ و ... از بخشهای آغازین منظومه است. داستان این منظومه با بیان "شیوع کیش نصاری در دیار ملیبار و کرناتک" آغاز میشود؛ ظهور اسلام، مجادله کردن عیسویه با مسلمانان و به تصرف درآوردن بیت المقدس از مباحث بعدی آن است. این مجادله که به جنگهای صلیبی شهرت دارد زمینه‌ساز تسلط فرانسویها و انگلیسیها بر مناطق مهمی از مشرق زمین شده است. (ر.ک: تاریخ قرون وسطی، آلبرماله: ص ۲۱۷-۳۹) موضوع اصلی این منظومه توصیف جنگهای صلیبی، بیان اقدامات و زمینه‌چینیهای حضور فرانسویها و انگلیسیها در هندوستان و حاکمیت آنان بر این قلمرو گسترده است. ملافیروز در جای جای این منظومه به مقتضای سخن از مدح، مرثیه و وصف بهره میگیرد. موضوعاتی چون سلسله‌های حکومتی ایران، بهشت و دوزخ، خواری نفس اماره، مذمت شراب و ... از موضوعات فرعی است که او در فحوای کلام بدان اشاره کرده است.

رسم الخط نسخه:

ویژگیهای رسم الخطی و نگارشی این نسخه عبارتند از:

۱. بی نقطه نوشتن یا کم نقطه نوشتن کلمات که یکی از عادات کاتبان قدیم بوده (ر.ک: راهنمای تصحیح متون، جهانبخش: ص ۵۲) و در این متن نیز به وفور دیده می‌شود: پیاده ← پیاده
 ۲. کتابت «پ، چ، ژ، گ» به ترتیب به صورت «ب، ج، ز، ک» که این امر هم از ویژگی‌های رسم الخط نسخه‌های قدیم است. (ر.ک: راهنمای تصحیح متون، جهانبخش: ص ۴۲) گشاده ← کشاده
دگرگون ← دگرکون
 ۳. حذف «واو» معدوله از کلمه در برخی موارد: خواسته ← خاسته
 ۴. جدا نوشتن «ب» تأکید و «ن» نفی از فعل در برخی موارد: ببیند ← به بیند نبیند ← نه بیند
 ۵. کاربرد کسره به جای «ه» موقوف در برخی موارد: چهره ← چهر
 ۶. متصل نوشتن حرف «را» به کلمه بعد در برخی موارد: ژیان را ← ژیانرا
 ۷. متصل نوشتن حرف «به» حرف اضافه به کلمه قبل از آن در برخی موارد: به پرخاش ← بپرخاش
 ۸. نوشتن «ء» به جای «ای»:
- چنان چون ز راه بزرگی سزید شه چاره‌جو چاره برگزید
۹. مکتوب نکردن علامت «مد» در برخی موارد: از آن ← ازان

۱۰. حذف همزه آغازی در برخی موارد: بهانه است ← بهانست

نقاط قوت و ضعف شعری ملافیروز

مواردی که میتوان به عنوان نقاط قوت این منظومه برشمرد عبارت است از:

۱. زبان سلیس ملافیروز در سرایش جارجنامه که حاکی از طبع روان و سلیس اوست. وی تلاش کرده است تا با لحنی حماسی بخشی از وقایع تاریخی کشور هندوستان را به تصویر کشد و البته در این امر موفق بوده است زیرا سرودن منظومه‌ای در چهل هزار بیت امری است که میسر شدن آن علاوه بر علم و آگاهی و همت و پشتکار نیاز به طبع روان و ذوق سلیم شاعرانه دارد.

۲. علاقه و گرایش قلبی ملا فیروز به فرهنگ ایران و زبان و ادب فارسی؛ او اگرچه به زبانهای عربی، ترکی و انگلیسی تسلط داشت اما به ایران زمین و زبان فارسی عشق میورزید از این روی وقتی پدر آهنگ سفر از ایران کرد، سخت آزرده خاطر شد؛ وی بازگشت خود از ایران به هندوستان را به سفر کیکاووس به مازندران و گرفتاری در بند دیوان تشبیه میکند:

به قدر فراخور شدم بهرهور ز ایران به هندی کشید آبخور ...
چو کاووس در بند مازندران به هند اوفتادم به بند گران
(جارجنامه: بیت ۱۷۰ و ۱۷۷)

توجه به فردوسی و شاهنامه که پیش از این بدان اشاره شد، از جلوه‌های این گرایش است و تعدد او در سرودن منظومه به زبان فارسی دری تحسین برانگیز است:

... گر آید فراهم یکی دفتری به گفتار فرسی و لفظ دری
بود فیض آن عام در خاص و عام شود شهره نزد خلائق تمام
(جارجنامه: بیت ۲۹۴-۲۹۳)

۳. آگاهی و اطلاع وسیع ملا فیروز از وقایع تاریخی کشور هندوستان و توانایی وی در خلق اثری حماسی بر مبنای آن. درباره تاریخ چند هزار ساله سرزمین پهناور هندوستان کتابهای حماسی و تاریخی متعددی وجود دارد، لیکن به عقیده نویسنده کتاب "تاریخ هند"، بسیاری از این آثار از اعتبار تاریخی برخوردار نیستند (ر.ک: تاریخ هند با ۲۱ گراور، دولافوز: ص ۱۷-۱۶) جارجنامه به عنوان کتابی تاریخی - حماسی حاوی اطلاعات تاریخی موثقی درباره مقطعی از تاریخ هندوستان است که رد پای بسیاری از وقایع آن را میتوان در متون تاریخی هند مشاهده کرد؛ به عنوان مثال وی در این ابیات به تقسیم هند به ایالات مختلف اشاره دارد:

چو مردم فراوان و بسیار شهر بشد هند کردند بر هشت بهر
نهادند هر بهره را صوبه نام شنو نام آن هشت صوبه تمام

دهلی و اجمیر و با آگره اوند ، خاندیس و ششم مالوه
پراگست و پنجاب دوی دگر به هندوستان هست اکنون سمر
(جارج‌نامه، بیت ۴۶۳-۴۶۰)

این مطلب همان است که در کتاب‌های تاریخی هند به آن اشاره شده است :
«صوبه عنوان رسمی ایالات بزرگ هند است که در دوره سلطنت اکبرشاه اتخاذ شده. بعضی از صوبه‌ها به نام مرکزشان (مانند دهلی و آگره) و برخی به نام قدیم ناحیه‌ای که جزء آن بودند (مانند پنجاب، بنگاله، برار، مالوا و گجرات) خوانده میشدند.» (رک: شورش هندوستان، تیرائیان : ۱۵۷-۱۵۶)

در خصوص حضور سرتامس رو در هندوستان و استقبال از وی آمده است :
«در سال ۱۶۱۵ سرتوماس روا یک نفر مستشرق معروف از طرف جیمس اول به سمت سفارت، از دربار انگلیس به نزد جهانگیر فرستاده شد. مشارالیه به بندر سورت هند وارد گردید و... این مرد مورد نوازش امپراطور واقع شد و پذیرایی شایان و باشکوهی از وی به عمل آمد.» (تاریخ هند با ۲۱ گراور، دولافوز: ص ۱۴۹-۱۴۸)

ملا فیروز در مورد ورود این سفیر میگوید :
... به سومالی آمد ز راه دراز فرستاده تـامس رو سـرفراز
به سورت بدانگاه میستر دلف به قد و به بالا سهی چون الف
چو بشنید کامد فرسته ز راه پذیره شدش مهتر نیکخواه
(جارج‌نامه، بیت ۳۷۴۵-۳۷۴۳)

۴. صداقت در گفتار امری است که بویژه در تاریخ‌نویسی از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ ملافیروز به صداقت خود در بیان تاریخ تأکید دارد:

من آنچه نیوشیدم از راستان بیوسستهام اندرین داسـتان
مرا جز سوی راستی نیست روی نه مرد گزافم نه افسانه‌گوی
(جارج‌نامه، بیت ۵۰۷۱-۵۰۷۰)

۵. تسلط و چیرگی شاعر بر زبان که باعث شده وی به راحتی نام خاص مکانها و شخصیت‌های تاریخی بویژه صاحب‌منصبان انگلیسی را در شعر خود به کار گیرد بدون آن که در وزن شعر او اختلالی ایجاد شود:

ز گجرات برکند و یکسر براند کس از پرتکیشان در آنجا نماند
بیود آلدورث اندر آن جایگاه ز دشمن نبودش کسی سنگ راه
(جارج‌نامه: بیت ۳۶۴۶_۳۶۴۵)

پَر از دام و دَد انگزِیجر به نام در او دیو مردم نموده کنام
(جارِنامه: بیت ۴۴۸۲)

کاربرد ترکیبات عربی چون باب‌العدن (ر.ک: بیت ۲۱۶۵)، ابن‌السبیل (ر.ک: بیت ۳۰۲۸) و شکرالله
نیز از همین مقوله است:

خردمند و شکراللهش نام بود روانش به فرزانیگی رام بود
(جارِنامه: بیت ۴۳۲۱)

۶. آگاهی شاعر از تلمیحات اسلامی و اساطیر ایرانی:

خدایی که از قدرت بی‌زوال به صلصال جان داد و علم و کمال
(جارِنامه: بیت ۲۴۰)

که تلمیح دارد به آیه «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ و...» (الرحمن: آیه ۱۴)

مر این آفرینش میدان سرسری خرد بود ده در میانجیگری
(جارِنامه: بیت ۲۸)

تلمیح دارد به آیه «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا و...» (المؤمنون: آیه ۱۱۵)

چو امرش جهان خواست کردن پدید دو گیتی به یک گفت «کن» آفرید
(جارِنامه: بیت ۲۰)

تلمیح دارد به آیه: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: آیه ۸۲)

چو گنجی بُد از چشمها ناپدید نهان بودن خود فراخور ندید...
(جارِنامه: بیت ۲۲)

تلمیح دارد به حدیث قدسی «كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أَعْرَفَ» (نقل
از احادیث مثنوی، فروزانفر: ص ۲۹)

اشاره به اساطیر ایرانی چون جمشید، رستم، زال، سام، کاووس و ... و نیز شخصیت‌های تاریخی و
مذهبی چون حضرت یوسف، عیسی، سلیمان، اسکندر، مسیح، مریم، نمرود و قارون نشان از
گسترده‌گی حیطة آگاهی ملایروز دارد.

۷. توفیق شاعر در ایجاد لحن حماسی مؤثر:

بدین خواهش و آرزو چند بار به آهنگ شیران برآراست کار
ولی چون نبودش ز مردی نشان نیارست آورد با سرکشان
(جارِنامه: بیت ۱۷۹۶-۱۷۹۵)

به پیشش غلامان زرین کمر رده برزده با سپرهای زر ...
زر و گوهر و خواسته بیشمار جز آن هر چه آید به گیتی به کار
(جارنامه: بیت ۳۸۷۳ و ۳۸۷۵)

۸. ایجاز:

پیاده به هرکس در آویختند بیستند و خستند و خون ریختند
(جارنامه، بیت ۷۱۹)

درباره نقاط ضعف این منظومه میتوان موارد زیر را مطرح کرد:

۱. این منظومه در شمار حماسه‌های تاریخی قرار میگیرد اما خلق اثری حماسی در شرایطی که کشوری مورد استعمار و استثمار قرار گرفته است، از سوی اتباع آن کشور به نفع بیگانگان سزاوار و شایسته به نظر نمیرسد مگر آنکه بپذیریم استعمار در گامهای ابتدایی آنچنان فریبکارانه روی خوش نشان میدهد که حتی فرهیختگان و روشنفکران آن قوم نیز تحت تأثیر آن قرار میگیرند؛ البته واژه "استعمار" در معنای لغوی "طلب عمران و آبادی" و بار معنایی منفی در ادبیات سیاسی جهان خود مؤید این امر است.

۲. گاهی شاعر برخی کلمات را برخلاف ساختار صحیح دستوری به کار برده است که در مقابل حجم وسیع منظومه و با در نظر گرفتن موقعیت زبان فارسی در سرزمین هند چندان در خور توجه نیست:

ز آواز توپان تندر خروش به دریای ژرف اندر افکنده جوش
(جارنامه: بیت ۱۷۹۷)

زر و مال رفته همه رایگان بداده به نذرانۀ این و آن
(جارنامه: بیت ۳۰۳۴)

- برجستگیهای زبانی جارنامه

از برجستگیهای زبانی این منظومه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کاربرد واژه‌های مهجور: داو: نوبت شکردن: شکار کردن

جهاندار بر آرزو دید داو که با باز شاید شکردن چکاو
(جارنامه: بیت ۱۲۸۷)

مرغول: زلف پیچیده

مسلسل خط نامۀ دلگشای چو مرغول جانانه بُد دلربای
(جارِنامه: بیت ۱۲۵۰)

۲. یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های این منظومه بسامد بالای اسامی خاص بویژه واژه‌های انگلیسی در آن است:

دگرگون کنون رسم و ساز آورم سخن‌های هاکنز باز آورم
(جارِنامه: بیت ۱۴۳۹)

چو از دور فرمانده پرتکیش ستاده، یکی دید کشتی به پیش
(جارِنامه: بیت ۳۲۸۱)

دو کس ز انگریزان در آن دار و گیر به چنگال مرگ اندر آمد اسیر
(جارِنامه: بیت ۲۳۰۹)

چو بشنید جنرل بیامد فرود فرستاد پیشش فراوان درود
(جارِنامه: بیت ۲۹۳۱)

به رابرت شرلی رسیدند شاد سپاس خداوند کردند یاد
(جارِنامه: بیت ۳۶۲۹)

۳. در برخی موارد شاعر معنی اسمهای خاص را بیان کرده است:

کرت آلفرد نام آن شهریار ز دادش جهان گشته خرم بهار
بود معنی آن "سلیم بزرگ" "سلیم" آلفرد دان، "کرت" دان سترگ
(جارِنامه: بیت ۶۲۶-۶۲۷)

به هر جا که "کوتی" رود بر زبان به تازی تو "بیت‌التجاره" بدان
(جارِنامه: بیت ۳۰۳۲)

۴. کاربرد برخی حروف اضافه به صورت رایج در زبان پهلوی:

ز آغاز آمد چو نامه به بُن اَبر آفرین کرد ختم سخن
(جارِنامه: بیت ۱۲۱۶)

اَبا او یکی نامه ارجمند بخواندیم و کردیم آن را پسند

(جارجنامه: بیت ۱۲۹۴)

۵. کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم: به اندر
به دل اندر آن شاه فرخنده خوی به فرخندگی راند این آرزوی
(جارجنامه: بیت ۱۰۹۳)

■ برجستگیهای ادبی جارجنامه

ملا فیروز با تسلط کافی بر زبان و ادب فارسی انواع صور خیال اعم از تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه و نیز انواع آرایه‌های لفظی و معنوی بدیعی را بسیار هنرمندانه به کار برده است و بر غنای ادبی منظومه خویش افزوده است؛ به منظور رعایت اختصار و به دلیل تنگی مجال سخن برای هر مورد به بیان یکی دو بیت به عنوان شاهد مثال بسنده میشود:

صور خیال

۱. تشبیه:

بریزم گلوله چو برگ درخت که ریزد به گاه خزان باد سخت
(جارجنامه، بیت ۱۸۵۰)

از آن آگهی گشت پاشا دژم چو ارقم بیچید بر خود ز غم
(جارجنامه، بیت ۱۵۶۸)

۲. استعاره مصرحه:

به دل گفتم افتاد دشوار کار فدام میان دو خونخوار مار
(جارجنامه: بیت ۳۰۶۸)

۳. تشخیص:

طرایف بیاراست از بهر شاه کز آن خیره بر چرخ شد چشم ماه
(جارجنامه، بیت ۳۸۲۸)

۴. کنایه:

نترسم از این گفته‌های درشت مکوب آهن سرد بی‌جا به مشت
(جارجنامه، بیت ۱۶۵۲)

شما گر به لوزینه سیر آورید گه آشتی دار و گیر آورید ...
(جارجنامه: بیت ۲۹۹۴)

۵. مجاز:

پس از پنج سال آن شه تخت‌جوی
سوی تخت بنهاد از تخت روی
(جارِنامه، بیت ۵۵۶۸)

آرایه‌های لفظی و معنوی:

۱. کاربرد انواع جناس:

الف. جناس تام:

بسان پـدر خـلق را داد داد
بـزودی ورا چـرخ بـر بـاد داد
(جارِنامه، بیت ۱۰۸۵)

ب. جناس لاحق:

اگر کشتن است و اگر کنند و بند
بود آن به فرمان شاه بلند
(جارِنامه، بیت ۱۱۲۲)

ج. جناس زائد:

دل روشنش بود چون جام جم
ز آینده آگه ز هر بیش و کم
(جارِنامه، بیت ۱۵۶۱)

۲. تکرار:

ز دستی ستاند، به دستی دهد
ز دستی بگیرد به دستی نهد
(جارِنامه، بیت ۲۵۹)

۳. اغراق:

روان گشت لشکر چو دریای آب
که دریا نمودی به پیشش سراب
(جارِنامه، بیت ۸۴۷)

۴. اعداد:

که و مه، زن و مرد، برنا و پیر
به خواری ز خانه کشیده به کوی
همان کودک لب نشسته ز شیر
توان از تن و رنگ رفته ز روی
(جارِنامه، بیت ۴۷۲۱ و ۴۷۲۲)

۵. تنسیق الصفات:

برون چون فرشته نهان همچو دیو

۶. تمثیل:

ندانست خودرای پرکنده هوش به شهپاز صعوه نتابد به توش
(جارجنامه، بیت ۱۶۰۳)

۷. ارسال‌المثل:

یکی دیگری را کند چه به راه نباشد شگفت ار فتد خود به چاه
(جارجنامه: بیت ۲۷۴۶)

۸. تناسب:

پی دفع تزویر و پرهیز شر خرد بر سرش خود و دانش سپر
(جارجنامه، بیت ۱۵۶۳)

۹. تضاد:

نهان پرز کین، آشکارا به مهر به پاسخ بدین گونه بگشاد چهر
(جارجنامه، بیت ۱۸۵۵)

۱۰. تلمیح:

چو یأجوج بی‌مهر مردم شکر به دریا ز مردم ربوده جگر
(جارجنامه، بیت ۱۱۴۳)

۱۱. طرد و عکس:

غنیمت بردند یکسر همه رمه شد شبان و شبان شد رمه
(جارجنامه، بیت ۷۲۸)

نتیجه:

جارجنامه اثری حماسی - تاریخی متعلق به سرزمین هند است که به زبان فارسی سروده شده. محدوده مکانی و موضوعی این منظومه که به حاکمیت انگلیسی‌ها بر هندوستان مربوط میشود، ممکن است برای ایرانیان چندان جذابیتی نداشته باشد اما زبان شیرین فارسی به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی فرهنگ ایران زمین و سند لیاقت و افتخار ایرانیان همیشه و همه‌جا مقبول و محترم است، بخصوص آن که در سرزمینی غیر از موطن اصلی خود مورد استفاده قرار گیرد و اثر ادبی بزرگی در آن خلق شود.

این منظومه اثر ملافیروز پسر ملاکاووس یزدانی است؛ وی در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری حدود سال ۱۱۸۲ ه.ق در هندوستان به دنیا آمد. در ده سالگی همراه پدر خود به ایران مسافرت کرد؛

حدود دوازده سال در ایران به تحصیل علوم و کمالات پرداخت و پس از بازگشت به هندوستان به آموزش بهدینان مشغول شد. وی در میان انگلیسی‌های حاکم بر هندوستان احترام و اعتبار زیادی داشت. جوناتن دنکن، استاندار بمبئی به او پیشنهاد کرد منظومه‌ای در شرح فتوحات انگلیسی‌ها در هندوستان پدید آورد، وی پذیرفت و منظومه‌ای چهل هزار بیتی به زبان فارسی در بحر متقارب سرود؛ این منظومه در سال ۱۲۱۶ ه.ش توسط برادرزاده‌اش، رستم بن کیقباد به صورت چاپ سنگی منتشر شد. این کتاب اگرچه جزء آثار چاپی به شمار می‌رود اما به دلیل آن‌که در اوایل صنعت چاپ با تیراژ محدود و امکانات اندک به چاپ رسیده و مانند دیگر نسخ خطی، رسم‌الخطی متفاوت با رسم‌الخط امروزی داشته و از احتمال سهو و خطای کاتب نیز مصون نبوده است، ضرورت بازخوانی آن به منظور تصحیح اشکالات احتمالی، معرفی شاعر و دیگر آثار او، تبیین برجستگی‌های زبانی و ادبی منظومه و توضیح نقاط قوت و ضعف آن توجیه‌پذیر بود.

نگارندگان دو نسخه از این کتاب را که یکی در کتابخانه مجلس و دیگری در کتابخانه ابن مسکویه اصفهان موجود بود، با هم مطابقت داده و متن منقح و مصححی از آن پدید آورده‌اند، علاوه بر آن مقدمه‌ای در معرفی شخصیت ملافیروز و دیگر آثار وی، بررسی نقاط قوت و ضعف این اثر و نیز تبیین برجستگی‌های زبانی و ادبی آن فراهم آورده، برخی از شخصیت‌ها و مکانها را معرفی کرده و در پایان فهرستهای متعددی بر متن افزوده‌اند.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم
۲. احادیث مثنوی، فروزانفر، بدیع‌الزمان، (۱۳۶۶)، چ چهارم، تهران: امیر کبیر.
۳. تاریخ زرتشتیان (فرزانگان زرتشتی)، شهردان، رشید، (۱۳۶۳)، تهران: فروهر.
۴. تاریخ هند با ۲۱ گراور، دولافوز، ث.ف، (۱۳۱۶)، ترجمه سیدمحمدتقی فخرداعی گیلانی، چاپخانه مجلس.
۵. تذکره روز روشن، صبا مولوی، محمد مظفر حسین، (۱۳۴۳)، محمد حسین رکن زاده آدمیت، تهران: اسلامیه.
۶. جارنامه (نسخه چاپ سنگی)، ملافیروز بن ملاکاووس، (۱۲۱۶)، بمبئی: مطبع زبده الاکابر المسیحیه.
۷. حدیقه‌الشعرا، دیوان بیگی شیرازی، سید احمد، (۱۳۶۵)، ج ۲، تصحیح عبدالحسین نوایی، چاپ اول، تهران: چاپخانه خدایی.
۸. راهنمای تصحیح متون، جهانبخش، جويا، (۱۳۷۸)، چاپ اول، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
۹. سرزمین هند، حکمت، علی اصغر، (۱۳۳۷)، ج ۲، ترجمه، چاپ اول، تهران: چاپخانه دانشگاه.

۱۰. شورش هندوستان، تبرائیان، صفاء‌الدین، (۱۳۷۲)، مترجم اوانس ماسئیان، چاپ اول، تهران: انتشارات نیلوفر.
۱۱. فرهنگ ایران باستان(بخش نخست)، پورداد، اسماعیل، (۲۵۳۶ شاهنشاهی)، زیر نظر دکتر بهرام فره‌وشی، چاپ سوم، تهران.
۱۲. فهرست کتابهای چاپی فارسی از آغاز تا آخر سال ۱۳۴۵، مشار، خان‌بابا، (۱۳۵۲)، ج اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۳. مجمع الفصحا، هدایت، رضاقلی خان، (۱۳۴۰)، بکوشش مظاهر مصفا، ج ۵، چاپخانه گیلان.
۱۴. مکارم‌الآثار (در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴)، معلم حبیب آبادی، میرزا محمدعلی، (۱۳۵۲)، ج ۴، اصفهان: چاپخانه نشاط.